جناب میرزا حیدر علی علیه بهآء اللّه

فی شوّال ١٢٩٨

بسم ربّنا الأقدس العلیّ الأبهی

الحمد للّه الّذی سرّ خادمه بنفحات بیان اولیائه الّذین کرّم وجوههم عن التّوجّه الی غیره و حفظهم بقدرته و سلطانه فی یوم ینادی المناد من کلّ الجهات یا ملأ الانشآء طهّروا قلوبکم و آذانکم و السنکم و عیونکم لمشاهدة جمال اللّه مالک الأسمآء و اصغآء آیاته الکبری هذا یوم الذّکر و الثّنآء قد شهد بذلک فاطر السّمآء طوبی لموقن اقبل الی اللّه فالق الأصباح و ویل لمن غفل و اعرض عن لقآء ربّه اذ اتی بقدرة و سلطان

 سبحانک یا من بک سرع کلّ کلیل الی ملکوت البیان و کلّ عطشان الی کوثر الحیوان اسألک باسمک الرّحمن بأن تکتب لأولیائک ما یقرّبهم الیک و ینطقهم بثنائک و یؤیّدهم علی ذکرک و یعرّفهم سبیلک و یوفّقهم علی خدمة امرک ای ربّ تراهم قائمین علی اظهار ما اردته فی ایّامک و ناطقین ببدایع ذکرک ای ربّ فاجذبهم بالکلمة العلیا علی شأن لا تحزنهم سبحات العلمآء و لا اشارات العرفآء انّک انت المقتدر علی ما تشآء و فی قبضتک ملکوت الأسمآء لا اله الّا انت المقتدر القدیر

 الحمد للّه از عنایات نامتناهیهٴ الهی مقبلین فائز شدند بمقامی که اهل عالم از ذکر آن عاجز و قاصر است ایشانند نفوسی که جمیع کتب و صحف بر علوّ و سموّ ایشان شهادت داده و ایشانند آن عبادی که راهها را از خار و خاشاک پاک نموده‌اند و ناس را بصراط مستقیم هدایت کرده‌اند فی‌الحقیقه هر نفسی الیوم بخدمت امر فائز شد او از مقرّبین در کتاب مبین مذکور و مسطور است امروز هر صاحب سمعی از کلّ اشیاء ذکر و ثنای حقّ جلّ جلاله را اصغا مینماید و هر صاحب بصری اشراقات انوار وجه را در هر شیء ملاحظه میکند این شأن بلند اعلی این یوم امنع اقدس را کفایت مینماید که میفرماید بقوله تعالی الملک یومئذ للّه

 و بعد یا حبیب فؤادی و المذکور فی قلبی علم اللّه ذکرت مسرّت‌انگیز است و خیالت بهجت‌بخش مراسلات آن جناب که باسم حضرت اسم جود علیه بهآء اللّه و عنایته بود در ساحت امنع اقدس عرض شد قوله تبارک و تعالی یا حیدر شدائد عالم و مکاره امم را قبول نمودیم و کل را بغایت قصوی و ذروهٴ علیا بأعلی النّدآء دعوت کردیم ولکن ما فاز بها الّا المنقطعون آنچه بطائف حول نوشتی لدی المظلوم مذکور للّه الحمد و المنّة که آن جناب را مؤیّد فرمود بر ذکر و ثنا و خدمت امرش قلم اعلی مرّةً بعد مرّة شهادت داده بر آنچه فی سبیل اللّه از شما ظاهر شده حبّاً للّه حمل بلایا و رزایا نمودی و بالقای کلمه مؤیّد گشتی هر کلمه‌ئی که للّه ظاهر شود البتّه تأثیر آن در ارض وقتی از اوقات ظاهر خواهد شد انشآءاللّه بر کسر اصنام ظنون و خرق حجبات اوهام موفّق باشی ناس غافل باوهام قبل از یوم مشاهده و لقا محروم مانده‌اند هر حزبی بموهومی تشبّث نموده مخصوص معرضین اهل بیان تازه بحجابهای لانهایه محجوب مشاهده میشوند مشتی از خار و خاشاک علوم علمای فرقان را جمع نموده‌اند و اسمش را معرفة اللّه و اطاعة اللّه گذاشته‌اند ویل لهم و للّذین اتّبعوهم من دون امر من لدن آمر علیم لعمر اللّه از جمیع احزاب و ملل ابعد مشاهده میشوند و طالب آنکه از حقّ چیزی اخذ کنند و یا ادراک نمایند نبوده و نیستند و اذا اراد احد ان یلق علیهم من آیات ربّه یجعلون اصابعهم فی آذانهم کما جعلوا من قبل الا انّهم من الأخسرین فی کتاب مبین ایّامی که جمیع از خوف مستور بودند صاحب امر بنفسه قیام فرمود و بکمال قدرت و قوّت و غلبه ناس موهوم را باسم قیّوم دعوت نمود و جواهر وجود را اخذ فرمود و چون فی‌الجمله نفحات قمیص متضوّع شد و آفاق قلوب بعضی از عباد بانوار وجه روشن و منیر گشت از خلف ستر نعیب و طنین ظاهر کذلک سوّلت لهم انفسهم الا انّهم من المشرکین فی کتاب عظیم باید آن جناب بشأنی بر تبلیغ امر قیام نماید که حجبات و اشارات و کدورات او را منع ننماید ان اشرب فی کلّ الأحیان سلسبیل الحیوان باسم ربّک منزل الأدیان اگر در سبیل الهی حمل زحمات نمودی و بغربت مبتلا شدی و شماتت شنیدی کأس عنایت هم از ایادی عطا مرّةً بعد مرّة و کرّةً بعد کرّة آشامیدی لا تعادل بقطرة منها کنوز الأرض کلّها یا حیدر قبل علی ان افرح بما ذکرک المظلوم من شطر السّجن بما تجد منه عرف عنایة اسمه الرّحمن فی الامکان انّ ربّک لهو المشفق العطوف ان انظر ثمّ اذکر اذ کنت معکم علی اعلی الأتلال و شربنا عندکم من ورق الصّین انّه لا یعزب عن علمه من شیء یشهد بذلک عباد منصفون ثمّ اذکر اذ کنت حاضراً فی البستان المقام الّذی فیه استقرّ عرش ربّک الرّحمن و سمعت ما نطق به لسان اللّه المهیمن القیّوم ایّاک ان تمنعک شبهات العالم عن مالک القدم ان اذکر ربّک بما تنجذب به القلوب انا کنّا معک اذ کنت ناطقاً بذکر ربّک طوبی للسانک بما نطق بالحقّ و لوجهک بما توجّه الی مقامی المحمود کبّر من قبلی علی وجوه احبّائی الّذین شربوا من ید عطائی رحیقی المختوم قل هذا یوم الذّکر و الثّنآء لو انتم تعلمون و هذا یوم الأعمال لو انتم تفقهون و هذا یوم اللّه لو انتم تعرفون و هذا یوم الاستقامة الکبری تمسّکوا بها باسم ربّکم المهیمن علی ما کان و ما یکون و هذا یوم البیان لو انتم بالحکمة تنطقون و بشّرهم بذکری و رحمتی و عنایتی و ما قدّر لهم فی کتابی المحتوم البهآء علیک و علیهم و علی من یحرّر فی هذا الحین تلقآء عرش ربّه مالک الوجود انتهی للّه الحمد که آن جناب بعنایت حقّ فائز بوده و هستند در شبی از شبها که این آیات مقدّسهٴ ممتنعهٴ متعالیه از سماء مشیّت الهیّه مخصوص آن جناب نازل میشد ذکر تل را بلسان پارسی هم ذکر فرمودند و همچنین ضیافت شما و حضور دوستان بعینه در کتب الهی از قبل هم مذکور و مسطور است میفرماید بر بلندیها و رؤس جبال ضیافتهاست از برای ربّ جنود آنچه در این ارض ظاهر شده حرف بحرف در کتب الهی از قبل بوده طوبی للفائزین طوبی للعارفین و در جمیع کتب ذکر ظهور در این ارض موعود است و همچنین در اطراف آن و جمعی هم از ممالک اخری آمده و در اطراف این ارض مقدّسهٴ مبارکه ساکن شده‌اند و میگویند ظهور نزدیک است و ما آمده‌ایم تا بآن فائز شویم و ادراک نمائیم مع‌ذلک در غفلت عظیم مشاهده میشوند رئیسشان چند سنه قبل اراده نمود بحضور فائز شود در ساحت اقدس این عرض مقبول نیفتاد ولکن لوح امنع اقدس از سماء عنایت مخصوص او نازل و در آن لوح ثبت شد آنچه که هر منصفی را نجات بخشد و هر قاصدی را بمقصود کشاند مع‌ذلک مصداق کلمهٴ مبارکهٴ لا یمسّه الّا المطهّرون ظاهر باری بقطره‌ئی از بحر معانی آن فائز نشدند و هنوز منتظرند کما انتظر قوم قبلهم و معهم صدهزار حسرت و افسوس که از فیض فیّاض و رحمت نامتناهی الهی ممنوع و محرومند الأمر بید اللّه یعطی و یمنع و هو المقتدر القدیر

 اینکه ذکر جناب استاد حسین فرموده بودند بعد از عرض در ساحت امنع اقدس این کلمات عالیات از مطلع ظهور آیات نازل قوله عزّ کبریائه یا حسین انّا ذکرناک من قبل و نذکرک فی هذا اللّیل الّذی تنوّر بأنوار الوجه اذ یمشی جمال القدم فی سجنه العظیم قد اقبلت الینا و اقبلنا الیک ان اشکر و کن من الذّاکرین ان احفظ ما ظهر من القلم الأعلی کما تحفظ روحک و بصرک انّ ربّک لهو الآمر الحکیم کن ناطقاً بذکر ربّک و قائماً علی خدمة اولیائه کذلک یأمرک من عنده کتاب ما اطّلع به الّا اللّه ربّ العالمین قد ذکرک من احبّنی و صار اسیراً فی سبیلی ذکرناک بما لا یأخذه الفنآء یشهد بذلک کلّ منصف بصیر قل یا قوم ضعوا کؤوس الظّنون و خذوا الأقداح باسم ربّکم المعطی الکریم ان احمد بما توجّه الیک وجه القدم و انزل لک هذا الذّکر المبین الحمد للّه ربّ العالمین انتهی

 و همچنین در بارهٴ جناب آقا سیّد آقا علیه بهآء اللّه که ذکر ایشان در کتاب آن جناب بود این آیات محکمات از سماء مشیّت الهی نازل قوله عزّ کبریائه

 یا سیّد آقا یبشّرک مالک الأسمآء من شطر السّجن و یذکرک بذکر تجد منه المخلصون عرف اللّه المهیمن القیّوم طوبی لاسم تحرّک علیه قلمی و للسان نطق بثنائی و لقلب اقبل الی ملکوتی العزیز المحبوب قد ذکرک من طاف حولی ذکرناک فضلاً من لدی الحقّ علّام الغیوب ان احفظ آیات ربّک ثمّ اقرأها بالرّوح و الرّیحان انّها تنفعک فی الآخرة و الأولی یشهد بذلک من عنده لوح مسطور ضع المریبین بأهوائهم و خذ ما امرت به من لدی اللّه ربّ ما کان و ما یکون انّا امرنا الکلّ فی الکتاب بما ینفعهم فی الآخرة و الأولی یشهد بذلک قلمی الأعلی و عن ورائه مالک الوری الّذی ینطق فی السّجن انّه لا اله الّا انا العزیز الودود انّا نوصی عبادنا بالأمانة الکبری و نأمرهم بما امروا به فی کتاب اللّه مالک الوجود البهآء علیکم و علی امائی اللّائی سمعن النّدآء و فزن بالیوم الموعود

 و فی هذا المقام یا حیدر قبل علی یذکرک لسان اللّه مالک الوری مرّة اخری لتشکر و تکون من الفرحین کن متوجّهاً بوجهک و مقبلاً بقلبک و مشیراً باصبعک و قل یا ملأ العالم تاللّه قد ظهر من کان مکنوناً فی خبآء العظمة و مخزوناً فی سرادق العصمة و مسطوراً فی کتب اللّه ربّ العالمین اتّقوا اللّه یا ملأ الأرض و لا تنکروا من یدعوکم الی اللّه العزیز العظیم انشآءاللّه بجمیع قلب و لسان و جوارح و چشم بنصرت امر اللّه مشغول باشید ذکر شما و آنچه بر شما وارد شده از دفتر عالم محو نشده و نخواهد شد جناب اسم جود علیه بهائی الّذی کان معی و یطوف الیوم حول عرشی قد ارسل ما ارسلته الیه فلمّا قرئ لدی الوجه نزّل هذا اللّوح المبین انشآءاللّه بحکمت و بیان جمیع من فی الامکان را بافق رحمن دعوت نمائی باید آنچه ارسال میشود جمیع را نوشته و در بعض قری و مدن بکمال حکمت از برای بعضی که سزاوارند قرائت نمائی حال در جمیع ایّام و لیالی الواح نازل و باطراف ارسال میشود و کل را از نزاع و جدال و فساد و ما تکرهه العقول و النّفوس منع صریح نمودیم و بآنچه سبب ارتفاع کلمه و ظهور مقام انسان است امر فرمودیم آنچه از آیات و الواح که ارسال میشود باید صورت آن را بعضی ثبت نمایند و محفوظ دارند انتهی فی‌الحقیقه در حفظ آیات الهی باید کمال جدّ و جهد مبذول گردد بعضی از دوستان اگر نفسی از مشرکین وارد بیتشان شود جمیع نوشتجات قبل از تجسّس بدستش میآید و این از حکمت بغایت خارج بوده و هست و ارسال الواح از این شطر باید مستور باشد مگر از نفوس مطمئنّهٴ امینهٴ ثابته چه اگر منکرین و مشرکین مطّلع شوند شاید بمنع و فساد قیام نمایند این عبد این عرایض را بر حسب ظاهر چون موافق و مطابق حکمت است معروض میدارد والّا العلم عند اللّه و ما انا الّا جاهل بعید اینکه مرقوم داشته بودید که الواح الهی را بصاحبانش رساندید صدهزار بار هنیئاً لجنابکم و لکلّ نفس فازت بلوح اللّه و اثره معلومست آن جناب در خدمت امر کمال سعی را مبذول داشته و دارند این فقره اظهر من الشّمس در پیشگاه حضور ظاهر و باهر و هویداست

 ذکر جنابان ندّافها علیهما بهآء اللّه را نموده بودید جناب حاجی میرزا ابوالحسن علیه بهآء اللّه مکرّراً در ساحت اقدس عرض نموده‌اند و آیات بدیعهٴ منیعه در بارهٴ ایشان نازل انشآءاللّه بآن فائز شده و میشوند و همچنین دو لوح امنع اقدس مخصوص ایشان نازل و بجناب شیخ س‌ل عنایت شد که برساند فی‌الحقیقه در خدمت امر بهیچوجه کوتاهی ننموده‌اند از حقّ میطلبیم ایشان را از ضوضای غافلین و نعاق ناعقین و شبهات بعضی از اهل بیان که فی‌الحقیقه از اهل تابوتند حفظ فرماید یا محبوبی این عبد بسیار متحیّر است چه که این اهل بیان که الیوم از سلطان بیان و منزله و مرسله غافل و معرضند ابداً از اوّل این امر و اصل آن اطّلاع نداشته و ندارند مع‌ذلک در صدد اضلال نفوس مقبله بوده و هستند و خود را نزد هر کس از نفوسی قلم داده‌اند که در اوّل امر مؤمن بوده و از جمیع امور مطّلع و آگاهند بعضی از عباد بیچاره چون که مطّلع نیستند شاید بمکر و تزویر و فریب آن نفوس بعیدهٴ محتجبه از صراط الهی ممنوع مانند و محجوب شوند فوالّذی نطق و انطق الأشیآء بذکره و ثنائه شبه این نفوس این عبد فانی ندیده و نشنیده یسأل الخادم ربّه بأن یحفظ عباده من شرّ هؤلآء الّذین نبذوا امر اللّه عن ورائهم و اتّبعوا کلّ شیطان مرید باری حضرات ندّافها علیهما بهآء اللّه تلقاء وجه مذکورند طوبی لهما و نعیماً لهما و آنچه بمخدّرهٴ علیا امّ حرم علیها بهآء اللّه ارسال داشته‌اند رسیده و بساحت اقدس معروض داشته‌اند

 و اینکه ذکر جناب آقا میرزا محمود و اهل ایشان علیهما بهآء اللّه را نمودید در ساحت امنع اقدس عرض شد مخصوص ایشان در این ایّام لوح بدیع منیع از سماء رحمت رحمانی نازل و حامل آن جناب شیخ س که همین چند روزه بآن جهات توجّه مینماید و همچنین مجدّداً در این لیل انور از سماء مشیّت مالک قدر لوح جدید نازل و ارسال میشود انشآءاللّه رحیق معانی از بحر بیان الهی بنوشند و بنوشانند این عبد فانی خدمت ایشان تکبیر بدیع منیع که مقدّس از شئونات و اشارات و کلمات این عبد است میرساند و از حقّ جلّ جلاله میطلبم ایشان را مؤیّد فرماید بر تبلیغ امر و همچنین بر استقامت کبری انّ ربّنا الرّحمن لهو المؤیّد المقتدر القدیر

 و اینکه در بارهٴ جناب آقا محمّد ابراهیم (ابن جواهری قمی) مذکور داشتید از حقّ این خادم فانی میطلبد که ایشان را بر صراط مستقیم خود مستقیم دارد تا مفتاحی باشند از برای ابواب قلوب عباد انشآءاللّه باسم حقّ بگشایند تا تجلّیات انوار آفتاب ظهور کل را فراگیرد و احاطه نماید از فضل و عنایت مقصود عالمیان امید است که ایشان بمثابهٴ سراج در آن مدینه روشن و منیر مشاهده شوند تا کل از آن روشنی بافق اعلی راه یابند و بغایت قصوی که معرفت حقّ جلّ جلاله است فائز گردند باری ذکر ایشان در ساحت اقدس اعلی عرض شد یک لوح اعزّ امنع اقدس مخصوص ایشان از ملکوت بیان رحمن نازل و ارسال شد انشآءاللّه از کؤوس کلمات منزل اسماء و صفات و مظهر آن رحیق معانی بنوشند و سرمست شده در انجمن عالم باسم مالک قدم بهدایت عباد مشغول گردند در جمیع احوال حکمت را از دست ندهند جمیع امور لدی اللّه بحکمت معلّق و منوط است مثلاً اگر حکمت اقتضا ننماید تبلیغ جایز نه این کلمه‌ایست که مکرّر این خادم فانی از لسان عظمت اصغا نموده طوبی لمن نبذ مشیّته و تمسّک بمشیّة اللّه المهیمن القیّوم

 و اینکه در بارهٴ شاه‌آباد مرقوم داشتید و اشتعال احبّا و همچنین اقبال نفوس معدوده و اجتماعشان بر کلمهٴ جامعهٴ الهیّه جمیع در ساحت اقدس عرض شد و این آیات باهرات از سماء مشیّت مخصوص ایشان نازل قوله عزّ کبریائه

هو الأقدم الأعظم العلیّ الأبهی

کتاب نزّل بالحقّ من لدی المهیمن القیّوم للّذین کسّروا اصنام الظّنون و الأوهام باسم اللّه مالک ما کان و ما یکون یا احبّائی فی البلاد ان استمعوا النّدآء انّه ارتفع بالحقّ طوبی لقوم یسمعون ان افرحوا بما ذکرتم من قلمی الأعلی فی هذا الیوم الّذی فیه استوی هیکل الظّهور علی العرش الأعظم و نطق انّه لا اله الّا انا الحقّ علّام الغیوب باید جمیع بکمال روح و ریحان بحکمت منزلهٴ در الواح بتبلیغ امر مشغول باشند اگر نفسی در ظاهر صاحب بیان نباشد مبیّن را اعانت نماید بسیار حیف است الیوم عباد از خدمت امر محروم شوند چه که عمل این یوم از اعظم اعمال لدی اللّه مذکور است انشآءاللّه کل مؤیّد شوند بآنچه که سبب و علّت ارتفاع کلمهٴ الهی است لحاظ مظلوم متوجّه اولیا و دوستان خود بوده و خواهد بود انّه معهم یسمع و یری عنقریب دنیا و آنچه در او مشهود است بعدم راجع گردد و آنچه از قلم اعلی در بارهٴ اهل بها نازل شده بدوام ملک و ملکوت باقی و پاینده خواهد بود ای دوستان جهد نمائید تا برحیق استقامت فائز شوید و از کوثر یقین بیاشامید جمیع احزاب بظنون و اوهام تربیت شده‌اند اینست که از اشراقات انوار آفتاب حقیقت محروم و ممنوعند در معرضین از اهل بیان ملاحظه نمائید مع آنکه خود را عارف و ناجی میشمردند حال نزد حقّ از جمیع امم ارض پست‌ترند چه که باوهامی متمسّک شده‌اند که شبه آن از قبل نبوده و بکمال جدّ و جهد در اضلال نفوس مقبله مشغولند بصاحب بیان اظهار ایمان مینمایند و بر مرسل و منزل او وارد آوردند آنچه را که هیچ ظالمی وارد نیاورده و گفته‌اند آنچه را که هیچ مشرکی نگفته اعاذنا اللّه و ایّاکم من شرّ هؤلآء قولوا

 سبحانک یا من بحلاوة بیانک سرع الموحّدون الی فنآء بابک و بأنوار وجهک توجّه المخلصون الی افق فضلک اسألک بالاسم الّذی به سخّرت الملک و الملکوت بأن تؤیّدنا علی ذکرک و ثنائک و خدمة امرک فی بلادک انت الّذی یا الهی عرّفتنا بحر علمک و سمآء حکمتک و شمس ظهورک اسألک بأن لا تجعلنا محرومین عن الاستقامة علی امرک ای ربّ انت الکریم ذو الفضل العظیم فاکتب لنا من قلمک الأعلی ما کتبته للّذین ما منعتهم شبهات العلمآء عن التّوجّه الیک و لا ظنونات اهل البیان عن النّظر الی افق عنایتک ای ربّ فارزقنا من کأس الاستقامة علی شأن لا تمنعنا حجبات العالم عن التّوجّه الیک و لا سبحات الأمم عن الاقبال الی شطرک لا اله الّا انت المقتدر المتعالی العلیم الحکیم انتهی

 یا حبیب فؤادی صدهزار حیف که قوّهٴ شامّه و مدرکه در عالم بمثابهٴ کبریت احمر کمیابست فوالّذی خلقنی و اظهرنی و عرّفنی و قرّبنی و جعلنی خادماً لنفسه که اگر جمیع عالم بعرف بیان رحمن فائز شوند هرآینه کل طائف حول مشاهده گردند صدهزار افسوس که از فضل لا شبه له محروم گشته‌اند سبب و علّت محرومی عباد علمای عصرند که عباد بیچاره را از سلسال بیمثال بیزوال حضرت لایزال منع نموده‌اند و بکلمات و اشارات نالایقه مشغول کرده‌اند حقّ جلّ جلاله در کلمات مکنونه میفرماید ای بظاهر آراسته و بباطن کاسته مثل شما مثل آب تلخ صافیست که در ظاهر کمال لطافت و صفا از او مشهود شود و چون بدست صرّاف ذائقهٴ احدیّه افتد قطره‌ئی از آن را قبول ننماید مثل این علما مثل شخصی است که حصاة بسیاری جمع نموده باشد و گمان نماید آنچه نزد اوست از جواهر است و آنچه جمع نموده از اوّل عمر الی آخره بیک قیراط الماس معادله ننماید ولکن بیچاره از این غافل و بیخبر است این خادم فانی از حقّ جلّ و عزّ سائل که ابصار را بگشاید و بنور معرفت منوّر دارد انّه لهو المقتدر القدیر

 خدمت جناب حسن آقا علیه بهآء اللّه از جانب این فانی تکبیر برسانید انشآءاللّه موفّق باشند بر ذکر حقّ و خدمت حقّ و استقامت بر امر حقّ قسم بآفتاب وجود که جمیع عالم را فنا اخذ نماید جز عملی که در سبیل الهی ظاهر شده و بشود و همچنین خدمت جناب میرزا حسین علیه بهآء اللّه عرض خلوص میرسانم و از حقّ میطلبم ایشان را فائز نماید بآنچه الیوم محبوبست انشآءاللّه باستقامت کبری فائز شوند و بنار محبّت الهی مشتعل بشأنی که مشرکین و منکرین اهل بیان قادر بر اطفای آن نباشند از قول این عبد تکبیر برسانید و مذکور دارید لعمر اللّه بعضی از نفوس خائنهٴ باطلهٴ کاذبه در صدد اضلال نفوس مقبله افتاده‌اند مع آنکه از اصل این امر بهیچوجه اطّلاع نداشته و ندارند و در این صباح نورانی ناس را از صهبای معرفت رحمانی محروم کرده‌اند آن جناب باید باسم حقّ از کأس استقامت بنوشند نوشیدنی که تشنگی آن را اخذ ننماید و ما سوی اللّه را معدوم صرف و مفقود بحت بیند مکرّر این فانی این فقره را از لسان احدیّه استماع نموده قوله عزّ کبریائه هذا یوم اللّه لا یذکر فیه الّا هو طوبی لمن اقبل و فاز ویل للمعرضین

 و همچنین خدمت جناب ملّا میرزا محمّد علیه بهآء اللّه تکبیر و سلام میرسانم امید آنکه بکمال استقامت بر خدمت امر قیام نمایند قیامی که اهل ارض قادر بر منع نباشند الحمد للّه ذکرشان از قلم اعلی از قبل و بعد جاری و نازل شده و لحاظ عنایت باو متوجّه باید بشأنی مشتعل باشند که آثار آن در ارض ظاهر شود ولکن در جمیع امور باید بحکمت ناظر باشند بشأنی که ضوضای جهلا که باسم علما معروفند مرتفع نشود ارض را بسنجند و تخم حکمت ودیعه گذارند اینکه بعضی بر حسب ظاهر مابین موافق و منافق بتبلیغ مشغولند این فقره لدی العرش محبوب نیست میقات اظهار جهرةً گذشت بعد از شهادت حضرت بدیع علیه بهآء اللّه و رحمته کل بحکمت مأمور شده‌اند باید در جمیع احوال باو ناظر باشند چه که بعضی از دوستان نزد ظهور افتتان مضطرب و مکدّر و مخمود مشاهده میشوند و ربّنا الرّحمن لهو المشفق الکریم روحی و نفسی و ذاتی لشفقته الفدآء و لرحمته الفدآء و لعنایته الفدآء ای دوستان این خادم فانی بکمال عجز و نیستی معروض میدارد قدر این یوم را بدانید جمیع مقرّبین و مخلصین بکلمهٴ یا لیتنی ناطق بودند و از حقّ در کلّ احیان سائل و آمل که باین شرافت کبری و موهبت عظمی فائز شوند و شما الحمد للّه از فضل نامتناهی الهی فائز شدید و از رحیق مختوم آشامیدید حال باید این عبد و آقایان بکمال اتّحاد و اتّفاق بشکر و ثنای حقّ جلّ جلاله ناطق باشیم و قدر این نعمت کبری را بدانیم و بآنچه الیوم سبب ارتفاع امر است عامل شویم در جمیع کتب و صحف و زبر و الواح و رقاع نصرت را بصبر و سکون و وقار و اخلاق روحانیّه و اعمال طیّبه معلّق و منوط فرموده‌اند از حقّ عمّ نواله میطلبیم که جمیع را مؤیّد فرماید باوامر منزلهٴ در کتاب اوست قادر و غالب در مبدأ و مآب

 و اینکه در بارهٴ دوستان سلطان‌آباد مرقوم داشتید و همچنین در بارهٴ جناب ملّا ابراهیم و استاد حسین علیهما بهآء اللّه ذکر نمودید جمیع در ساحت امنع اقدس اعلی عرض شد لسان عظمت باین کلمات عالیات محکمات ناطق قال عزّ کبریائه

بسمی الأقدم الأعظم الأعلی

ای دوستان ایّام ایّام رحمن است و کوثر حیوان از مطلع کرم جاری و ساری انشآءاللّه بقلوب نورا و وجوه بیضا و غرر غرّا از ید عطا اخذ نمائید و باسم دوست یکتا بیاشامید اگر در کلمات مشرقه از افق قلم اعلی تفکّر نمائید کل را وله و شوق بشأنی اخذ نماید که ما سوی اللّه را مفقود مشاهده کنید و بتمام جوارح و ارکان بر خدمت دوست بایستید باستقامتی که شبهات و اشارات علما و جهلا شما را منع ننماید و از این خیر اکبر و فضل اعظم بازندارد

 یا حیدر قبل علی ذکّر العباد بما نزّل من سمآء مشیّة ربّک الرّحمن و بشّرهم بفضله العظیم قل یا احبّآء الرّحمن تمسّکوا الیوم بما ینبغی لأمر اللّه ربّ العالمین ایّاکم ان تمنعکم شبهات الخلق عن الحقّ تشبّثوا بذیل عنایة ربّکم الغفور الکریم لعمر اللّه هذا یوم لا تعادله الأیّام ان اجهدوا لیظهر منکم ما یقرّبکم الی الفرد الخبیر انّا نکبّر من شطر سجنی الأعظم علی احبّائی فی هناک و نوصیهم بما یرتفع به اسمائهم بین السّموات و الأرضین هذا یوم الأعمال و هذا یوم الأخلاق وربّکم الخلّاق المصوّر العلیم الحکیم

 یا ابراهیم ان استمع ندآء المظلوم اذ احاطته الأحزان بما اکتسبت ایدی الغافلین کن ثابتاً راسخاً قائماً علی خدمة هذا النّبإ الّذی به اضطربت افئدة العرفآء و زلّت اقدام العلمآء الّا من شآء اللّه المقتدر القدیر لا تعادل بذکری ایّاک زخارف الأرض کلّها ان اعرف قدره ثمّ اشکر ربّک العزیز العظیم

 و نذکر الحسین بعد استاد لیجذبه ندآء مالک العباد فی یوم المعاد علی شأن یقوم و یقول بالحکمة و البیان یا ملأ الامکان تاللّه قد اتی الرّحمن بسلطان مبین ان احمد اللّه بما ذکرت لدی المظلوم اذ کان مسجوناً فی هذا الحصن المتین ایّاک ان تحزنک شؤونات العالم دعها لأهلها و خذ ما امرت به فی کتاب اللّه مقصود العارفین

 یا حیدر قبل علی بلّغهم ذکری و عنایتی و فضلی و رحمتی الّتی سبقت العالمین لعلّ یظهر منهم ما اراده اللّه فی هذا الیوم المقدّس البدیع کذلک اظهرنا من غرف الکلمات حوریّات المعانی و البیان طوبی لمن شهد و رأی و عرف آیات ربّه الکبری فی المبدإ و المنتهی و ویل للغافلین و ویل للمعرضین و ویل للرّاقدین انتهی

 و اینکه در بارهٴ جناب آقا میرزا محمّد حکیم علیه بهآء اللّه مرقوم داشتید و همچنین اقبالشان را بافق اعلی در ساحت امنع اقدس عرض شد هذا ما نطق به لسان العظمة قال و قوله الحقّ یا محمّد ندای مظلوم را از شطر سجن بشنو ترا بحقّ دعوت مینماید و بمقامی میخواند که ذکرش در کتب و صحف و زبر الهی از قبل و بعد بوده یا محمّد در ایّامی که از کثرت بلایا و رزایا روز از شب امتیاز نداشت این مظلوم فرداً واحداً بر امر قیام نمود قیامی که ضوضای اهل ارض او را از ما اراده اللّه منع ننمود بأعلی النّدآء اهل ملکوت انشاء را بافق اعلی هدایت نمود سبیل مستقیم الهی را ظاهر و آشکار فرمود تا احزاب ارض از فیض فیّاض حقیقی محروم نمانند و چون صراط ظاهر و امر حقّ باهر و افق عالم از انوار ظهور مشرق کل بتمام اعراض قیام نمودند الّا من شآء اللّه ربّک و ربّ من فی السّموات و الأرضین حقّ جلّ جلاله شاهد و گواهست که آنی خود را ستر ننمودم و بحفظ جسد نپرداختم در جمیع احوال ارتفاع امر الهی و اعلاء کلمهٴ علیا منظور نظر ظاهر و باطن بوده جمیع اهل بیان در آنچه ذکر شد شاهد و گواهند مگر نفوسی که از بحر انصاف محرومند و از افق اعلی ممنوع و چون نسیم عنایت رحمانی مرور نمود و نفحهٴ قمیص ربّانی فی‌الجمله متضوّع شد جمعی بنفاق برخاستند و بآفاق دویدند که شاید نفوس مشتعلهٴ بنار محبّت را مخمود نمایند اینست شأن عباد در یوم معاد سبحان‌اللّه از بصیر علیم غافل شدند و بنفوسی که ابداً از اصل امر اطّلاع نداشته و ندارند توجّه نموده‌اند آن جناب باید بکمال روح و ریحان اهل امکان را آگاه نمایند که شاید بعنایت کوثر حیوان از شئونات نفس و هوی مطهّر شده بملکوت اعلی متوجّه شوند قدر و مقام این یوم معروف بسیار عظیمست و ناس بسیار غافل مشاهده میشوند انشآءاللّه از ندای احلی از نوم غفلت برخیزند و بدریای آگاهی توجّه نمایند یا محمّد ان استمع ندآء المظلوم انّه یذکرک لوجه اللّه و یأمرک بما ینفعک فی کلّ عالم من عوالمه انّ ربّک لهو الفیّاض الکریم ضع ما سمعت من الّذین لا یعرفون الیمین عن الشّمال و خذ ما امرت به فی کتاب اللّه ربّ العالمین خذ الرّحیق المختوم باسمی القیّوم انّه یجذبک الی مقام لا تمنعک شؤونات العالم عن مالک القدم انّ ربّک لهو المقتدر القدیر وصّ العباد بالاستقامة الکبری امراً من لدن مالک الوری انّه یأمرهم بما ینفعهم فی الآخرة و الأولی یشهد بذلک من عنده کتاب مبین انتهی از آیات و بیانات مالک اسماء و صفات عنایت و فضل الهی نسبت بعباد ظاهر و هویداست حقّ شاهد و گواهست که این عبد در اکثر احیان خود را متحیّر مشاهده مینماید چه که آفاق عوالم معانی و بیان از نیّر ظهور روشن و منیر است ولکن عباد در کمال غفلت و بعد دیده میشوند از خمر غرور بشأنی مستند که ما ینفعهم را از ما یضرّهم امتیاز نمیدهند در وادی برهوت سرگردان و مبهوت بوده و هستند انشآءاللّه نفوسی که بطراز ذکر حقّ جلّ جلاله در این اوراق فائز شده‌اند مؤیّد شوند بر خدمت امر و تربیت عباد و احیای اموات این خادم فانی خدمت هر یک تکبیر عرض مینماید و بأذکار قلم اعلی بشارت میدهد انشآءاللّه حقّ ایشان را مؤیّد فرماید بر آنچه سزاوار این یوم مبارکست انّه یؤیّد من یشآء امراً من عنده و هو المقتدر العلیم الخبیر و اینکه مرقوم داشتید که اگر غیر آن جناب شخصی بآن سمتها توجّه نماید سبب و علّت اشتعال نار محبّت شود این فقره واضح و مشهود است ولکن جناب علی قبل اکبر علیه بهآء اللّه مالک القدر و همچنین جناب ابن اسم اللّه الأصدق المقدّس علیهما بهآء اللّه و جناب آقا میرزا اسداللّه علیه بهآء اللّه و عنایته هر که را مصلحت دانند با الواح ممتنعهٴ مقدّسه ارسال نمایند شاید نفحات رحمن قلوب اهل آن اراضی را اخذ نماید و بدریای دانائی کشاند در این فقره باید جهد بلیغ مبذول دارند تا نفحات وحی از مدن و دیار قطع نشود و آذان از ندا محروم نماند در ارسال نفوس و تبلیغ امر توقّف جایز نه باید نفوس را بر سبیل تبلیغ امر الهی آگاه نمود تا بحکمت تمام مابین انام تکلّم نمایند و از مقصود حقیقی و نتیجهٴ امر الهی ناس را آگاهی بخشند در این صورت شموس استقامت از آفاق قلوب اشراق نماید و عالم را منوّر سازد طوبی للعارفین طوبی للعاملین

 و اینکه در بارهٴ جناب حاجی سیّد ابوالفضل مرقوم داشتید عرض شد لوح امنع اقدس مخصوص ایشان نازل انشآءاللّه بآن فائز شوند و به ما اراده اللّه عامل

 و همچنین ذکر جناب محمّد قبل حسین علیه بهآء اللّه ابن ل‌ط و جناب سمیّ ایشان نموده بودید الحمد للّه جناب مذکور در این امر اعظم اقدم از اوّل ایّام مقرّ و معترف بودند و بردای عنایت حقّ جلّ کبریائه مزیّن حال از اوّل ثابت‌تر و مشتعل‌تر دیده میشوند این خادم فانی از حقّ باقی جلّ جلاله سائل و آمل است که ایشان را بمثابهٴ علم بر اتلال بین عباد خود ظاهر فرماید و در هر حین بر مقامشان بیفزاید یک لوح امنع اقدس مخصوص ایشان نازل انشآءاللّه بروح و ریحان تلاوت نمایند و از کوثر جاریه که در غیاهب کلمات الهی مستور است بیاشامند هنیئاً له و مریئاً له و امّا سمیّ ایشان ذکرشان در مراسله‌ئی که باین عبد فرستاده بودند مذکور و همچنین در مکتوب آن جناب که بجناب اسم جود علیه بهآء اللّه الأبهی ارسال داشته بودند ذکر اقبال و توجّه و استقامتشان بوده هر دو در ساحت اقدس امنع اعزّ اعلی عرض شد هذا ما نطق به لسان الرّحمن فی ملکوت البیان قوله جلّ کبریائه الحمد للّه بعرفان کلمهٴ الهی فائز شد و اقرار و اعتراف نمود بآنچه لسان عظمت بآن ناطق مراتب شوق و اشتیاقشان لدی الوجه ظاهر و مشهود انشآءاللّه بحکمت تمام از کوثر بیان مالک امکان بنوشند انتهی و یک لوح امنع اقدس هم مخصوص ایشان از سماء مشیّت رحمن نازل انشآءاللّه از بحور معانی و بیان که در کلمات مالک ادیان مستور است بنوشند و بنوشانند

 و اینکه در بارهٴ جناب استاد حسن صبّاغ علیه بهآء اللّه مرقوم داشتید در ساحت اقدس عرض شد هذا ما نطق به لسان العظمة فی الجواب قد ذکرناه من قبل من قلمی الأعلی و نذکره فی هذا الحین مرّة اخری لیشکر ربّه العزیز الکریم انشآءاللّه مؤیّد باشند بآنچه سزاوار این یوم ابدعست و موفّق باشند به ما یرتفع به امر اللّه العلیّ العظیم یا حیدر قبل علی کبّر من لدنّا علی وجهه و ذکّره بآیات ربّه المهیمن علی من فی السّموات و الأرضین و نذکر فی هذا المقام ابنه الّذی سمّی بنصراللّه و نبشّره بمواهبی و الطافی لیحمد و یکون من الشّاکرین و نوصیه بالاستقامة الکبری و بما نزّل فی کتابی المبین انتهی

 و اینکه در بارهٴ زیارت نورین نیّرین علیهما من کلّ بهآء ابهاه و من کلّ نور انوره مرقوم داشتید بتفصیل در ساحت امنع اقدس عرض شد هذا ما تکلّم به لسان اللّه المهیمن القیّوم قوله عزّ اجلاله یا حیدر قبل علی علیک بهائی و عنایتی یشهد لسان بیانی فی ملکوت علمی بأنّک فزت بما کان من افضل الأعمال عند الغنیّ المتعال انّا کنّا معکما نسمع و نری و انا السّامع البصّار قد قبلنا توجّهکما و ما عملتما فی سبیل اللّه مالک الأدیان عدم بلوغ مکتوب و تأخیر جواب سبب عدم قبول نبوده انّه یفعل ما یشآء و یحکم ما یرید و هو المقتدر القدیر ان افرح بفضل مولاک انّه لهو الفضّال الکریم آنچه لوجه اللّه ظاهر شود نزد حقّ معلوم و بطراز قبول فائز طوبی از برای نفوسی که خالصاً لوجه اللّه فائز شوند بآنچه شما فائز شدید یا غلام قبل علی بشنو ندای مظلوم را و بیقین بدان که آنچه در سبیل الهی از تو ظاهر شد لدی الوجه مقبول افتاد عمل هیچ عاملی لدی اللّه ضایع نشده و نخواهد شد کن موقناً بما نطق به قلمی الأعلی و کن من الشّاکرین اشهد انّک سمعت النّدآء و اقبلت الی اللّه مالک الأسمآء و زرت مقاماً لم یزل کان تحت لحاظ عنایة ربّک الغفور الکریم لعمر اللّه قد زاره الملأ الأعلی و قبیل من الملائکة و سوف تتوجّه الیه قبائل الأرض انّ ربّک لهو العلیم الخبیر ان اشکر اللّه بما ایّدک و عرّفک سبیله الواضح المستقیم مکافات اعمال حسنه و کلمهٴ طیّبه لدی اللّه مکنون و مخزون است یشهد بذلک لسان الرّحمن ولکنّ النّاس اکثرهم من الغافلین انتهی از آیات محکمهٴ الهی عنایت حقّ ظاهر و مشهود است براستی عرض مینمایم از هر کلمه‌ئی شمس فضل مشرق نعیماً لحضرتک و لمن کان معک الحمد للّه باین نعمت کبری فائز شدید و از اهل سفینهٴ حمرا در کتاب الهی مذکور و مسطور فی‌الحقیقه این مقام از اوصاف ظاهره که از قلم جاری میشود مقدّس و مبرّاست چه که از لسان عظمت ذکر آن جاری و نازل صدهزار طوبی از برای نفسی که باین مقام اعلی فائز شد

 و اینکه در بارهٴ جناب آقا میرزا حبیب‌اللّه علیه بهآء اللّه نوشته بودید عرض شد اظهار عنایت فرمودند و یک لوح امنع اقدس اعزّ ابهی مخصوص ایشان نازل انشآءاللّه چشمشان بمشاهدهٴ آن روشن و قلبشان بزیارت آن مسرور خواهد شد قد فاز بلآلئ بحر بیان ربّه انّ الخادم یبشّره بهذا اللّوح البدیع و یهنّئه بهذا الفضل العظیم

 و اینکه در بارهٴ نفوس مطمئنّهٴ مقبله علیهم بهآء اللّه مرقوم داشتید اسامی کل لدی العرش عرض شد و مخصوص هر یک آیات باهرات از سماء رحمت ربّ الأرباب نازل این خادم فانی عاجز است از ذکر آن بتمامه ولکن بعض از آن که بلسان پارسی نازل شد ذکر میشود تا کل ببیان رحمن فائز شوند و به ما ینبغی للانسان عامل قوله عزّ کبریائه قلم اعلی شاربان رحیق ابهی را تکبیر میرساند و میفرماید امروز روز خدمت و نصرت امر است خود را از فضل این ایّام و نفحات آن محروم ننمائید بکمال حکمت و استقامت و رفق و مدارا ناس را متذکّر دارید که شاید از کوثر عطای الهی بحیات تازه فائز شوند و از کلمهٴ ربّانی بغایت قصوی و ذروهٴ علیا رسند امروز آفتاب فضل مشرق جهد نمائید تا بعملی که لایق و قابل یوم الهی است فائز گردید ذکرتان لدی المظلوم مذکور و از برای هر یک نازل شد آنچه که بمثابهٴ کنوز باقیه است نزد امین علیم جمیع اشیای عالم باین کلمهٴ مبارکه معادله ننماید ان اشکروا ربّکم الغفور الرّحیم باید باعمال حسنه و کلمات طیّبه و حکمت منزله ناس را هدایت نمائید و انشآءاللّه باخلاق روحانیّه و صفات پسندیده بنصرت امر مشغول شوید انّا نکبّر من هذا المقام علیکم و نبشّرکم بفضل اللّه و رحمته و نأمرکم بما نزّل فی کتاب اللّه ربّ العالمین باید بقوادم اتّحاد در این هوای مقدّس طیران نمائید و بکمال محبّت و وداد مابین خلق ظاهر باشید انّه یکون معکم فی کلّ الأحوال انّه لهو الحقّ علّام الغیوب جمیع اماء بذکر الهی فائزند ای ورقات سدرهٴ مبارکه بشما توجّه نموده و میفرماید باید کل بطراز تقدیس فائز باشید و باثواب تنزیه مزیّن از حقّ منیع بخواهید تا رؤس اعمال را باکالیل عصمت منوّر فرماید اوست مقتدر و توانا ادراک نمودید ایّامی را که مقرّبین و موحّدین و مخلصین لقای آن را از حقّ جلّ جلاله سائل و آمل بودند از امورات ظاهره و شئونات دنیای فانیه مکدّر و محزون نباشید دار فانی قابل ذکر نبوده و نیست عنقریب اهل ارض بحسرت تمام و خسران مبین بمقام خود راجع شوند آنچه در دفتر این عالم و دفاتر عوالم اخری بدوام اسماء حسنی باقی و پاینده است ذکریست که الیوم از قلم اعلی در صحیفهٴ حمرا ثبت شود جهد نمائید تا بآن فائز شوید و باسم حقّ حفظش نمائید جز حقّ از ذکر این مقام عاجز بوده و خواهد بود بر جمیع شکر و ثنای حقّ در کلّ احیان لازم طوبی لعبد فاز و لأمة فازت و لعبد اعترف و لأمة اعترفت بما نطق به لسان العظمة قبل خلق السّموات و الأرض انّه لا اله الّا انا الخبیر البصیر انتهی

 اینکه مرقوم داشته بودید جناب آقا عبدالحسین الموسوم بالیاهو در ارض ک بودند و فرقهٴ عنود بر ایشان شوریده‌اند لیس هذا اوّل ظلم ظهر من الظّالمین فی هذه الأیّام و لیس هذا اوّل انآء کسر فی سبیل اللّه و لیس هو اوّل رجل ابتلی بشماتة الأعدآء باری تفصیل ایشان در ساحت امنع اقدس عرض شد فرمودند انشآءاللّه جمیع عالم بطراز عرفان مالک قدم مزیّن شوند و بحکمت و بیان بر نصرت امر رحمن قیام نمایند امروز اشتغال بحرف و صنایع از عبادت محسوبست بر کل لازم بلکه واجب است که بشغل و عملی مشغول باشند کسالت و قعود و انزوا و بیکاری و تنبلی لدی الحقّ محبوب نبوده و نیست انشآءاللّه جمیع به ما امر به اللّه فائز شوند و عامل گردند انتهی

 از جانب این خادم فانی خدمت ایشان تکبیر برسانید و مذکور دارید و بگوئید اشتغال بامور هم در مقامی از خدمت محسوبست انشآءاللّه نفوس مقبله باستقامت کبری فائز شوند و استقامت کبری مقامیست که هر نفسی بآن فائز شد غیر اللّه را معدوم و مفقود مشاهده نماید ولو یأتی بما عند النّاس

 و اینکه مرقوم داشته بودند که در مکاتیب این عبد لفظ مالک یوم الطّلاق بطاء نوشته شده و بنظر میآید بتاء منقوط باشد هر دو صحیح است چه که یوم الطّلاق بطاء مؤلّف یوم قیامت است چه که یوم فصل است و چون فصل اکبر در آن یوم واقع لذا در بعض مقام بطاء نوشته شده و همچنین بتاء منقوط بمعنی تلاقی است و چون آن یوم اعظم یوم تلاقی است لذا در بعض از مقامات بتاء مسطور این یومیست که احزاب مختلفه در یک مقام جمع میشوند و شئونات متضادّه بیک معین توجّه مینمایند هذا یوم اللّقآء و هذا یوم التّلاقی و هذا یوم الالتقآء و هذا یوم الطّلاق و هذا یوم الفصل الأکبر و هذا یوم الجمع لعمر محبوبی و محبوبک و محبوب من فی السّموات و الأرض اتت القارعة و قرعت و ظهرت الحاقّة و الحقت و برزت السّاعة و قضت در ایّامی که نیّر ظهور از افق عراق مشرق ولکن نظر بعدم اکمال میقات خلف سبحات حکمت مستور یومی از ایّام جمال قدم از حرم بیرون تشریف آوردند و در بیرونی جناب حاجی محمّد تقی از اهل نیریز علیه بهآء اللّه مع این عبد حضور داشتیم و در آن ایّام احدی از اصل امر مطّلع نه و کل غافل و از غایت ستر جمیع ممنوع مع آنکه ونفسه الحقّ امر از آفتاب واضح‌تر بود ولکن بیانات نفس حقّ ناس را متحیّر داشت در آن ایّام اموری ظاهر که اگر عرض شود جمیع بکلمهٴ واشوقا ناطق شوند باری در آن حین لسان قدم مخاطباً لجناب حاجی محمّد تقی ناطق فرمودند حاجی محمّد تقی نشسته بودم دیدم ساعت موعود راه میرود فرمودند ای حاجی محمّد تقی آن ساعت موعود بیان باین قسم راه میرفت و مشی میفرمودند و مکرّر میفرمودند حاجی ببین ببین همین قسم مشی مینمود همین قسم مشی مینمود سبحان‌اللّه مع این ظهور اعظم چون اراده بر ستر تعلّق گرفته بود احدی در آن ایّام آگاه نه الّا معدودی و آن معدود هم علی قدر مقدور لا علی ما هو علیه جلّ جلاله و عمّ نواله و عظم شأنه و لا اله غیره

 اینکه مرقوم داشته بودند که الواح بدیعهٴ منیعه که در معنی نصرت از قلم اعلی نازل شده سواد نموده‌اند و همراه دارند تا جمیع مشاهده نمایند و بر نصرت امر الهی و معنی آن آگاه شوند این فقره فی‌الحقیقه خدمت بزرگیست بامر حقّ ولکن از قبل هم در معنی نصرت از قلم اعلی نازل شده آنچه که سبب هدایت و تذکّر من علی الأرض است انشآءاللّه آنها را هم بدست آورده ضمّ نمائید بآنچه که نوشته‌اید تا کل ادراک نمایند که ظهور حقّ جلّ جلاله از برای اصلاح عالم است نه قتل و غارت و فساد و نفاق و اذیّت و امثال آن

 و اینکه در بارهٴ جناب آقا محمّد هاشم (از اهل ک) و سایر دوستان الهی نوشته بودید در ساحت امنع اقدس عرض شد مخصوص هر یک آیات بیّنات از افق مشیّت الهی نازل انشآءاللّه نفحات آن را بیابند چه اگر جمیع من علی الأرض عرف کلمه‌ئی از کلمات الهی را فی‌الحقیقه بیابند خود را مقدّس و منزّه و فارغ و آزاد مشاهده کنند طوبی از برای نفسی که باین مقام اعظم اعلی فائز شد هذا ما نزّل لجناب محمّد قبل هاشم

بسمی الشّاهد العلیم الخبیر

ذکر من لدنّا لمن فی العالم لیقرّبهم الذّکر الی مقام جعله اللّه مقدّساً عن شبهات الّذین کفروا بیوم الدّین یا هاشم ان افرح بما یذکرک من قام باسمه القیّوم و کسّر اصنام العلوم باسمه المقتدر القدیر انّا قدّرنا العلم لعرفان المعلوم و ما ینتفع به العباد لا ما ینطق به کلّ جاهل موهوم طوبی لوجه توجّه الی وجه اللّه و لأذن سمعت النّدآء و للسان نطق بهذا الاسم العظیم ایّاک ان تمنعک شبهات البشر عن مالک القدر دع ما عند النّاس و خذ ما اوتیت به من لدن مشفق کریم انّا نذکر اهلک و من معک فضلاً من لدنّا انّ ربّک لهو الفضّال القدیم و نکبّر من هذا المقام علیهم و علی الّذین تمسّکوا بهذا الحبل المتین

 و هذا ما نزّل لجناب میرزا سها (من سلطان‌آباد)

بنام محبوب یکتا

مالک اسماء میفرماید جهد نما تا از عنایت حقّ جلّ جلاله بشهاب نامیده شوی یعنی شهاب منیر مبین وجود اولیا و استقامتشان بر امر مالک اسماء نور است از برای مقبلین و نار است از برای مشرکین انشآءاللّه بمثابهٴ ستارهٴ سحری از افق سماء محبّت الهی مشرق و لائح باشی امروز روزیست که هر نفسی میتواند تحصیل نماید آنچه را که سبب علوّ و سموّ است چه مقدار از نفوس که طالب این یوم بدیع منیع بودند ولکن چون فجر یوم اللّه ظاهر شد کل معرض مشاهده گشتند از حقّ بخواه تا کل را از ذلّت نفس و هوی مقدّس فرماید و بافق اعلی کشاند اینست نعمت حقیقی و مائدهٴ سماوی طوبی لمن فاز بها و ویل لمن جعل نفسه محروماً عن نعمة اللّه و آلائه و عنایة اللّه و الطافه از حقّ جلّ جلاله بخواه تا ترا مؤیّد فرماید بر امری که بدوام ملک و ملکوت باقی و پاینده است البهآء من لدی المظلوم علی الّذین فازوا بهذا المقام العظیم

 و هذا ما نزّل لجناب استاد حسین ک

بسمی السّامع العلیم

یا حسین یذکرک المظلوم من شطر السّجن و یدعوک الی اللّه العزیز الوهّاب انّا دخلنا السّجن و نزّلنا الآیات علی شأن لا یحصیها الّا اللّه ربّ الأرباب کن ناطقاً بثنآء ربّک و عاملاً بما انزله الوهّاب فی الکتاب طوبی لقویّ ما اضعفته شؤونات الخلق و لمقبل ما منعته اشارات اهل الحجاب تمسّک بحبل عنایة ربّک و سبّح فی العشیّ و الاشراق ان احمد بما فزت برشحات قلمی الأعلی الّذی اذا تحرّک ناد المناد قد اتی سریع الحساب کذلک ماج لک بحر عنایتی فضلاً من عندی و انا العزیز الفضّال

 انّا نذکر من سمّی بهاشم و نبشّره بهذا الذّکر الّذی نزّل بالحقّ من لدی اللّه مالک الرّقاب و نذکر من سمّی بمحمّد لیفرح بعنایة ربّه الغنیّ المتعال

 و هذا ما نزّل لجناب آقا حسین (ک) الّذی فاز فی الزّورآء

هو الشّاهد و المشهود

کتاب انزله مالک الوجود من مقامه المحمود لمن آمن باللّه العزیز الودود طوبی لقاصد عرف المقصود و لطالب اجاب المطلوب و لعالم آمن باللّه المهیمن القیّوم کم من عالم اعرض عن الصّراط و کم من جاهل عرف و سرع و قال لک الحمد یا مالک الغیب و الشّهود تاللّه قد انار افق العالم بالنّیّر الأعظم ولکنّ النّاس اکثرهم لا یشعرون انّ الحقّ یمشی امام وجوه الخلق یشهد بذلک من نطق فی قطب الامکان انّه لا اله الّا انا المقتدر علی ما کان و ما یکون طوبی لمقبل اقبل و فاز باللّقآء و ویل لکلّ معرض اعرض عن اللّه بما اتّبع کلّ غافل مردود

 و هذا ما نزّل لمن سمّی بجناب سیّد باقر ک

هو السّامع المجیب

امروز جمیع اشیاء از نار کلمهٴ الهیّه مشتعلند و جمیع ذرّات کائنات به قد اتی منزل الآیات ناطق طوبی از برای نفسی که ندای مکلّم طور را از شجرهٴ ظهور اصغا نمود و بتمام جان و روان بر امر محبوب عالمیان قیام کرد ذکر این یوم عزیز بدیع در کتب الهی اظهر از آفتابست در وسط آسمان طوبی از برای چشمی که بمشاهده فائز شد و از برای قلبی که بافق اعلی اقبال نمود یا باقر اگر بدوام ملک و ملکوت حقّ را شکر نمائی هرآینه باین لوح امنع اقدس معادله ننماید قدر کلمات رحمن را بدان و چون جان حفظش نما انّا نکبّر من هذا المقام علیک و علی ابیک و علی الّذین فازوا بهذا المقام العظیم

 یا سیّد قبل رضا مالک اسماء میفرماید جهد کن تا برضای حقّ جلّ جلاله فائز شوی این مقام را شبه و نظیر نبوده و جمیع موحّدین و مقرّبین و مخلصین طالب آن بوده و هستند انّ ربّک ینطق بالحقّ و یهدی من یشآء الی صراطه المستقیم و الحمد للّه العزیز الحکیم

 هذا ما نزّل لجناب من سمّی بملّا محمّد رضا ک

هو الأقدم الأعظم

یا محمّد رضا آسمان جود مرتفع و شمس ظهور از افقش مشرق و لائح اینست آن یومی که کتابهای آسمانی کل را باو وعده و مژده داده امروز روز آگاهی است دانای یکتا میفرماید باب فضل مفتوحست و دریای رحمت امام وجوه ظاهر جهد نمائید تا از فیض فیّاض قسمت برید و محروم نمانید در قرون اولی تفکّر کنید و در آنچه بر انبیا و سفرای الهی وارد شده نظر نمائید هر هنگام که مطلع وحی الهی از افق سماء مشیّت ظاهر شد کل بر اعراض و اعتراض قیام نمودند و بر آن جوهر وجود وارد آوردند آنچه را که اقلام عالم از ذکر آن عاجز است بگو ای دوستان آب حیات باسم منزل آیات جاری و ساری طوبی لنفس عرفت و شربت و ویل للغافلین الحمد للّه ربّ العالمین

 و هذا ما نزّل لجناب من سمّی بمحمّد قبل جعفر

بسمی المهیمن علی من فی الأرض و السّمآء

ان یا قلمی الأعلی ان اذکر من فی ملکوت الانشآء لعلّ الذّکر یقرّبهم الی مقام کان فی الکتاب مذکورا لیس الیوم یوم الوقوف و الصّمت ینبغی لکلّ انسان ان ینطق بالحکمة و البیان فی هذا الأمر الّذی کان من افق الفضل مشهودا یا احبّآء اللّه و اصفیائه ان استمعوا النّدآء من شطر البقعة النّورآء انّه یبشّرکم بما نزّل فی کتاب کان من قلم اللّه مسطورا ایّاکم ان تمنعکم شبهات الخلق عن الحقّ دعوا ما عند النّاس ثمّ اقبلوا بوجوه نورآء الی افق کان بلسان اللّه موعودا قد تمّت الحجّة و کملت النّعمة و ظهر ما کان فی سرادق العزّ مستورا قد انفطرت السّمآء و سرت السّفینة الحمرآء علی بحر الکبریآء بأمر کان من سمآء الوحی منزولا کذلک نطقت السّدرة و دلع الدّیک و غنّت حمامة الأمر علی غصن کان باسم اللّه معروفا انّا نوصیک و احبّآء اللّه بالاستقامة الکبری علی هذا الأمر الّذی به زلّت اقدام العلمآء انّ ربّک کان علی ما اقول شهیدا انتهی فی‌الحقیقه فضل و عنایت و کرم و رحمت حقّ بمقامی است که احدی از عهدهٴ شکر آن برنیاید در لیالی و ایّام آیات الهی من غیر تعطیل نازل و جمیع مرایائی هستند حاکی از جود و کرم و شفقت محبوب عالمیان این خادم فانی از حقّ سائل و آمل است که اولیایش را موفّق فرماید بر عملی که لایق این فضل امنع اقدس است از جانب این فانی خدمت شاربان رحیق معانی تکبیر بدیع منیع منوط بعنایت آن محبوب است انشآءاللّه کل کأساً بعد کأس و غرفةً بعد غرفة و قدحاً بعد قدح از رحیق عنایت حقّ بیاشامند البهآء علی جنابک و علیهم و علی کلّ ناطق نطق و کلّ قائم قام و کلّ سالک سلک صراطه المستقیم و الحمد للّه ربّ العالمین

عرض دیگر آنکه چندی قبل مخصوص دوستان و اولیای ارض ک الواح بدیعهٴ منیعه نازل مع جناب شیخ ارسال شد و همچنین این ایّام چند لوح امنع اقدس که مخصوص جناب آقا محمّد حسین ن‌وّ و دو سمیّ ایشان و جناب آقا غلامعلی علیهم بهآء اللّه از سماء مشیّت نازل از طریق پوسته ارسال شد انشآءاللّه بآن فائز شوند

 و اینکه از قبل قبل از برای دوستان قمصر و اطراف آن الواح خواسته بودند و تعویق افتاد این نظر بتعویق نامهٴ آن محبوب بوده و حال بعضی الواح از سماء عنایت نازل با اسم و بی اسم در کرّهٴ دیگر ارسال میشود چه که در این کرّه ارسال آن خارج از حکمت است بعد از وصول آن جناب بهر کس مصلحت دانند اذن عطا شد که اسم او را نوشته بدهند تا کل بعنایت الهی فائز گردند الأمر بیده یقدّر لمن یشآء ما یشآء و یثبت لمن اراد ما یرید و هو المقتدر العزیز الحمید

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۶ آوریل ۲۰۲۴، ساعت ۲:۰۰ بعد از ظهر